

دکتر احمد مہشتی

## اختلاف طبقه . هـ گـ

نباید میان اختلاف درجه و اختلاف طبقه، که اولی مورد قبول و  
دومی مورد نکوهش اسلام است، اشتباه کرد

پروری و خفه کردن فریاد حق طلبانۀ انسان  
های محروم و مستضعف است، سرلوحه  
برنامه‌های خود قرار داده‌اند .

این جامعه ایده آل و این مدینۀ فاضله  
الهی، جنبه‌خیالی ندارد، طرحی است که از  
سوی آفرینندۀ بزرگ انسان و جهان با توجه  
به استعدادها و نیازها و خواسته‌های نوع  
انسان، پیشنهاد شده و باید در روی همین  
کرخاکی و مخصوصاً به دست همین مردم  
محروم و ناتوان و مستضعف، به مرحله  
اجراء درآید. البته با یاری خداوند !  
این مدینۀ فاضله، همچون مدینۀ فاضله

باید توجه داشته باشیم که اختلاف طبقه  
مسأله‌ای است و اختلاف درجه مسأله‌ای  
دیگر. اختلاف طبقه، نتیجۀ ظلم و ستم و  
تبعیض و سیاست‌های شیطنی و ضد انسانی  
و غیرالهی است. اما اختلاف درجه، نتیجہ  
کوشش‌ها و تلاش‌ها و قداکارها و از خود -  
گذشتگی‌های یک انسان است .

به همین جهت است که در جامعه توحیدی  
اسلام - چنانکه دیدیم - اختلاف طبقاتی  
نباید وجود داشته باشد و رهبران و پیشوایان  
مکتب توحید، مبارزه با نظام طاغیانہ و  
ظالمانہ طبقاتی که سیرۀ منحوسش مستکبر

افلاطون و همچون جزیره «اتوپای توماس مور» و مانند مدینه خورشید «کامپانلا» نیست که در عالم خیال مجرد، تصویر و تعریف شده باشد، به طوری که نه این زمین گنجایش آن را دارد و نه این مردم سعادت و شایستگی آن را .

آری در همین مدینه فاضله الهی، ممکن است بعضی از افراد ، به واسطه پاره ای از امتیازات حقیقی و نه خیالی و طبقاتی ! بر بعضی افراد دیگر برتری پیدا کنند و در اثر تلاشها و شایستگی به درجه ای بالاتر برسند .

در میان خود پیامبران که پرچمدار مبارزات ضد طبقاتی بوده اند اینگونه امتیازات وجود داشته است. به این آیه توجه کنید :

تلك الرسول فضلنا  
بعضهم على بعض منهم  
من كلم الله و رفع

بعضهم درجات (۱)  
آن پیامبران را بعضی بر  
بعضی برتری دادیم بعضی  
از آنها با خداوند تکلم  
میکردند و خداوند درجات  
بعضی از آنها را بالا برده  
است .

در میان مردم عادی نیز ممکن است اختلاف درجه و رتبه پیدا شود . ممکن است دو فرد

مسلمان بواسطه بعضی از جنبه های عملی و اخلاص قلبی و کوششها و مجاهدتها ، از لحاظ درجه و مقام با یکدیگر تفاوت داشته باشند .

اینگونه تفاوتها نه تنها ضرر و زیانی ندارد، بلکه وسیله تکامل و ارتقاء انسانیت است. آنهایی که مقامی برتر دارند، توقع ریاست و ثروت ندارند ، کاخ و زرق و برق و تجمل ظاهری نمی پسندند ، عظمت آنها در عمل و جهاد و خدمات اجتماعی، اقتصادی و اسلامی آنهاست .

قرآن در اینباره می گوید :

ولكل درجات مما عملوا و مبارك  
بغافل عما يعملون (۲)

برای مردم ، از راه اعمالی که انجام میدهند، درجاتی پیدامیشود و پروردگارتو از اعمال آنها غافل نیست .

بهبتر است امتیازاتی که وسیله تفاوت و اختلاف درجات افراد در سیستم توحیدی میشود بررسی کنیم :

الف - یکی از آنها تقوی است . قرآن می گوید :

ان اكرمکم عند الله اتقاکم (۳)

گرامی ترین شما در پیشگاه خداوند با تقوی ترین شماست .

بد جهاد در راه برانداختن و واژگون کردن نظام پوшالی و مشرکانه استکبار و

(۱) بقره آیه ۲۵۴

(۲) انعام آیه ۱۲۱

(۳) حجرات آیه ۱۳

استضعاف و تشکیل جامعه توحیدی باعث ارتقاء درجه و مقام است .

**فضل الله المجاهدین علی القاعدین**

**اجراً عظیماً درجات منه و...** (۱)

خداوند درجات و پاداش کسانی که در راه خدا جهاد میکنند بر کسانی که قاعدند و جهاد نمیکنند برتری بخشیده است .

البته خود قرآن در باره مجاهدین و قاعدین

می گوید : **و کلاً وعد الله الحسنی (۲)**

خدا به همه آنها (باعمل به وظائف) وعده نیکی داده است . مع الوصف ، مجاهدان بر

قاعدان امتیاز دارند و این در صورتی است

که با جهاد مجاهدان ، وظیفه جهاد برای

قاعدان باقی نماند و به جهاد همانها کفایت شود .

ج- قرآن یکی دیگر از امتیازات را علم

و دانش قرار داده ، می گوید :

**هل یستوی الذین یعلمون و**

**الذین لا یعلمون (۳)**

آیا آنها که میدانند و آنها که نمیدانند با

یکدیگر برابرند ؟

این را هم باید توجه کنیم که اگر عالم بر

جاهل امتیاز دارد ، بواسطه این است که

علی (ع) می گوید :

**اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا**

**علی کفة ظالم و لاسفب مظلوم (۴)**

خداوند از عالمان پیمان گرفته است که

در برابر سیری ظالم و گرسنگی مظلوم آرام

نشینند .

**و ای بر آن عالمی که پیمان خدا را**

**بشکند و وظیفه خود را زیر پا**

**بگذارد !**

هجرت نیز يك امتیاز است بگفته قرآن :

**الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا**

**فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم**

**درجة عند الله و اولئك هم الفائزون**

(توبه ۲۰)

آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و

در راه خدا به مال و جان جهاد کردند ، در

پیشگاه خدا درجه ای عظیم تر دارند و

رستگارند .

از همین آیه معلوم میشود که ایمان نیز

يك امتیاز است . همچنانکه جهاد با مال و

جان نیز هر کدام میتواند يك امتیاز باشد .

به شرطی که در راه «الله» باشد .

امادر مورد جهاد با مال و جان نیز توجه

به يك نکته ، بسیار لازم و مفید است آن نکته

این است که با توجه به بعضی از شرایط و

موقعیت ها ، ارزش جهاد و انفاق اشخاص

بیشتر یا کمتر می شود . مسلمان پیش از آنکه

مسلمانان به فتح مکه توفیق پیدا کنند هنوز

موقعیت اسلام در شبه جزیره عربستان

(۱) نساء آیات ۹۵-۹۶

(۲) سوره نساء ۹۵

(۳) سوره زمر آیه ۹

(۴) نهج البلاغه خطبه ۳

تثبیت نشده و مکه همچون دژی مستحکم ، پناهگاه مخالفین آیین انقلابی جدید بود . هنگامی که این دژ ، تسخیر شد و دشمنان دیرینه اسلام ، در برابر پیامبر خدا سرتسلیم و تعظیم فرود آوردند ، این پناهگاه از بین رفت و پیروزی مکتب جدید ، در نظر دوست و دشمن قطعی و مسلم گردید .

بنابراین کسانی که بعد از فتح مکه ایمان آورده ، برای جهاد با مال و جان بسیج می- شدند ، برتری و پیروزی اسلام را لمس و تجربه کرده بودند ، ولی کسانی که قبلاً از روی اخلاص و ایمان ، به تیرد با دشمنان دین و انفاق می برداختند هنوز نمیتوانستند پیروزی دین را به آن صورت لمس کنند . آنها آنقدر اطمینان قلب داشتند که به امید «احدی الحسینین» (۱) می جنگیدند و به آرزوی رسیدن به فوز و رستگاری ، انفاق

میکردند . از این نظر است که اینها امتیاز پیدا میکنند و از درجه و مقام برتری بر- خوردارند .

قرآن مجید در این باره می گوید :

لا یتوی منکم من  
انفق من قبل الفتح  
وقاتل اولئک اعظم  
درجه من الذین انفقوا  
من بعد وقاتلوا وکلا  
وعد الله الحسنی (حدید  
۱۱) آنان که پیش از فتح  
مکه ، جهاد و انفاق کردند  
درجه ای والاتر دارند از  
کسانی که بعد از فتح  
مکه جهاد و انفاق کردند  
خداوند همه را وعده  
نیکی داده است .

۱- اشاره به آیه شریفه : **قل هل یترصون بنا الا احدی الحسینین** (توبه ۵۲) مقصود این است که : مجاهدین راه حق هرگز دچار ضرر و زیان نمی شوند ، زیرا اگر کشته شوند به سعادت جاودان می رسند و اگر دشمن را شکست دهند و زنده بمانند ، زمینه برای تثبیت مکتب خود فراهم می سازند .

#### پایه از صفحه ۴۴

بخواند و طی آن تهدید کرد که اگر به مخالفت خود ادامه دهند ، آنان را سرکوب نموده راه های بازرگانی را از خشکی و دریا بروی آنان بسته و در محاصره اقتصادی قرار خواهد داد و با اعزام نیروهای نظامی ،

دمار از روزگار آنان در خواهد آورد ! ولی نامه آمدید آمیز منصور نیز نتوانست توفان انقلاب مردم را فرو نشاند و مردم همچنان توفنده و پر شور ، پرچم انقلاب را پیش می بردند دنباله دارد